

علی اکبر نیک خلق



سهم زن
در تولید
کشاورزی
در جامعه
روستائی
ایران

ارزشیابی دقیق از کار زن در خانواده روستائی امری دشوار بنظر میرسد. زیرا وضعیت زن در خانواده روستائی بگونه‌ای است که خانه‌داری و کارهای تولیدی را باهم انجام میدهد. زن درعین حال که خانه‌دار است و در نگاهداری و تعلیم و تربیت اطفال وظیفه مهمی برعهده دارد، در امور زراعی، پرورش دام و طیور، صنایع دستی و گاه در فروش محصول و خرید مایحتاج خانواده فعالیت‌های مختلفی انجام میدهد.

بررسی نتایج اصلاحات ارضی میزان فعالیت زنان را در ۷ منطقه روستائی ایران برابر ۳۶٫۴٪ نشان میدهد. البته نوع و میزان فعالیت تولیدی زنان در مناطق روستائی متفاوت است. چنانچه میزان فعالیت زنان گروه سنی ۱۰-۶۵ ساله در منطقه ساری ۱۹/۵٪، منطقه همدان ۲۲/۳٪، بیرجند ۳۶/۹٪، سمنان ۲۰/۱٪ میباشد. در خانواده‌های کشاورز روستاهای نمونه منطقه ایلام حدود ۶۵٪ زنان گروه سنی ۱۵ تا ۶۵ ساله به صنایع دستی و امور دامپروری اشتغال دارند و حال آنکه تنها ۷٪ آنان در امور زراعی با مردان خود همکاری دارند.

مقایسه وضع اشتغال زن و مرد در برخی دیگر از مناطق روستائی ایران تفاوت‌هایی را از حیث میزان اشتغال زنان نشان میدهد (جدول شماره ۱)

جدول شماره ۱ - تعداد زنان شاغل در برابر هر ۱۰ نفر مرد شاغل در
۹ منطقه روستائی ایران (۳)

نام منطقه	سبزوار	نیشابور	بیرجند	قوچان	گناباد	بجنورد	کاشمر	تربت جام	ساری
تعداد زنان شاغل در برابر ۱۰ مرد شاغل	۱/۴	۱/۸	۲	۲/۷	۲/۸	۳	۳/۴	۴	۶

ارقام مندرج در جدول فوق هر چند نمایشگر سهم زن روستائی در فعالیتهای اقتصادی خانواده میباشد، در عین حال حاکی از آنست که میزان اشتغال زن در مناطق مختلف روستائی ایران دارای نوسانات زیادی است. بدیهی است تفاوت‌های موجود در نوع و میزان فعالیت زنان روستائی تا حد زیادی بانوع تولید و ویژگیهای فرهنگی جامعه در ارتباط است.

در منطقه ایلام بعلت وجود زندگی ایلیاتی و متداول بودن کشت دیم، کار زراعت عمدتاً با مردهاست و زنان سهم کمتری در تولید زراعی خانواده بهعهده دارند و بیشتر به امور دامپروری و صنایع دستی میپردازند. در روستاهای منطقه کوهستانی «نور» کار کردن زن در زراعت از لحاظ فرهنگ جامعه امری ناپسند تلقی میگردد «کار کشت و درو، همه بامردهاست. قبیح میدانند اگر زنانشان بیایند و کمک کنند.»^۴ چون در این مناطق مردمی با منشأ اجتماعی قبیله‌ای ساکن هستند و در میان قبایل معمولاً زراعت تابو است، شاید عدم اشتغال زنان در زراعت از آن ناشی شده باشد.

در بسیاری از روستاهای برنج‌خیز شمال بعلت محدودیت زمان کشت و برداشت و تراکم زیاد کار در زراعت برنج، مردان قادر نیستند تمام مراحل تولید این محصول را که در برخی موارد بموازات هم صورت میگیرد انجام دهند. از این جهت زنان روستائی با اجرای برخی از عملیات زراعی خاصه نشاگری در کشت برنج سهم اساسی دارند و حتی در برخی از روستاها نشاگری در اختصاص زنان است و مردان در آن دخالتی ندارند، چنانچه اگر مردی به کار نشاء برنج پردازد برخلاف عرف و سنت اجتماعی رفتار کرده، از طرف جامعه مورد سرزنش و تحقیر قرار میگیرد.

بنظر میرسد که اختصاص نشاگری به زن در پاره‌ای از روستاهای شمال ایران قطع نظر از تراکم زیاد کار و محدودیت زمان کشت برنج که نیاز به نیروی کار زن را ضروری مینماید، تا حدودی نیز با عامل فیزیولوژیک و ارگانسیم زن ارتباط دارد. زیرا ماله‌کشی،

مرزبندی و عملیات مشابه دیگر زراعت برنج که کار سنگین و سختی است و به‌تحرک و انرژی زیادی نیاز دارد، تحمل آن برای زنان دشوار می‌باشد. اما نشاگری که کار آسان‌تر و در عین حال پراهمیت، ظریف و در خور حوصله زن است بوسیله آنان انجام می‌گیرد. برآوردی که از کار زن در نشاء برنج بعمل آمده حاکی از آنست که یک زن فعال با ۲۳۸ ساعت کار یک هکتار زمین برنجکاری رانشاء میکند. مطالعات نشان می‌دهد که زنان بهنگام فعالیت‌های تولیدی از نگهداری و مراقبت کودکان خود غافل‌نیستند و هیچگاه آنها را تنها نمی‌گذارند. بهنگام کشت و برداشت محصول کودکان خود را با گهواره به‌سرزمین می‌برند و در کنار مزرعه، زیر سایه درختان و یا در پناهگاه موقتی که برای او ترتیب می‌دهند می‌خوابانند و ضمن کار او را زیر نظر دارند و بموقع به‌او شیر می‌دهند، قنداقش را باز می‌کنند و لباس‌هایش را عوض می‌کنند و در این امور گاه از فرزندان بزرگتر خود یا از بچه‌های همسایه کمک می‌گیرند.

در روستای «حسن لنگی»^۹ باد دادن خرمن کار خاص زنان شناخته شده و عقیده بر این است که اگر زن خرمن را باد دهد، محصول برکت می‌کند. بنظر میرسد که اختصاص این کار به‌زنان بازمانده معتقداتی است که براساس تشابه موجود میان باروری زمین و فرزندآوری زن در روزگاران گذشته وجود داشته است. معمولاً مردان در موقع باد دادن خرمن به‌جمع‌آوری گاه می‌پردازند و باخوشه‌های خردشده گندم را برای باد دادن در دسترس زنان قرار می‌دهند. در این روستا که بعلت شرایط طبیعی منطقه اقتصاد نخلداری اهمیت دارد، فعالیت زنان نیز بیشتر در همین زمینه متمرکز است.

مطالعاتی که در سال ۱۳۶۶ در زمینه فعالیت زنان این روستا بعمل آمده حاکی است که ۷۹٫۳ درصد زنان شاغل به پرورش نخل و تهیه خرما و مشاغل وابسته بدان اشتغال داشته‌اند. مردان ده غالباً پس از انجام کارهای مقدماتی، امور زراعی و نخلداری را به زنان خود واگذار می‌کنند و خود در خارج از ده به فعالیت‌های دیگر می‌پردازند.

بین میزان اشتغال زنان روستائی بر حسب موقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی خانواده‌ها و در میان گروه‌ها و قشرهای مختلف جامعه روستائی ایران تفاوت‌های کم و بیش زیادی وجود دارد.

مطالعاتی که درباره‌ای از روستاهای منطقه ساری بعمل آمده است^{۱۰} نشان می‌دهد که در برابر ۱۰ مرد شاغل خانواده کشاورز ۶ نفر زن، و ۱۰ مرد شاغل خوش‌نشین ۳/۳ نفر زن شاغل وجود داشته‌است. همچنین در میان جمعیت زنان ۱۰ ساله و بالاتر خانواده‌های کشاورز ۴۶ درصد و خوش‌نشین ۳۱٫۵ درصد فعالیت اقتصادی داشته‌اند.

بالا بودن سطح اشتغال زنان خانواده‌های کشاورز با آگاهی و مهارت آنان به‌امور

زراعی خصوصاً نشاگری در زراعت برنج ارتباط دارد، در حالیکه زنان خوش‌نشین فاقد آگاهی در امور زراعی هستند و مقتضیات شغلی شوهران آنها هم به گونه‌ای است که زنان کمتر میتوانند در آن نقشی برعهده داشته باشند. همچنین در میان خانواده‌های زارع بر حسب مساحت اراضی زراعی که مبین میزان درآمد و وضع اقتصادی آنهاست، تفاوت‌هایی از لحاظ میزان اشتغال زنان بچشم میخورد. چنانچه در برابر هر ۱۰ نفر مرد شاغل زارعان کوچک (زارعانی که کمتر از ۳ هکتار زمین دارند) $\frac{6}{3}$ نفر زن و ۱۰ مرد شاغل زارعان بزرگ (مالک بیش از ۳ هکتار زمین) $\frac{5}{5}$ نفر شاغل وجود داشته است. زنان خانواده‌های «حسن‌لنگی» دهکده‌ای از بندرعباس از لحاظ میزان سهمی که در فعالیتهای اقتصادی خانواده به‌عهده دارند به سه گروه تقسیم میشوند:

گروه اول زنان متعلق به خانواده‌های نسبتاً مرفه و پردرآمد ده هستند که ضمن انجام کارخانه دام‌ها را میدوشند و خرما جمع‌آوری شده را بمنظور ذخیره زمستانی در خمره‌های مخصوص جای میدهند.

گروه دوم که از خانواده‌های متوسط هستند علاوه بر خانه‌داری به امور دامپروری تهیه علوفه، جمع‌آوری خرما و بافتن حصیر و سبد خرما میپردازند.

گروه سوم علاوه بر کارهای زنان گروه دوم به‌دروگری هم اشتغال میورزند و در شخم کردن زمینهای زراعی بامردان خود همکاری دارند. خس و خاشاک و سنگریزه‌ها را از جلو حیوان برمیدارند تا مردان زمین را شخم کنند. میتوان گفت که پایگاه اجتماعی زن در این قبیل جوامع بامیزان فعالیتهای اقتصادی او رابطه‌ای معکوس دارد. عبارت دیگر زنان قشر پائین اجتماع سهم بیشتر و زنان قشر بالا سهم کمتری در تولید خانواده دارند. زیرا زارعان مرفه بعلت امکانات اقتصادی غالباً در امور زراعی از نیروی کار افراد کارگر استفاده میکنند و زنان این قشر از روستائینان بیشتر به کارهای خانه و پرورش و نگاهداری کودکان میپردازند.

در جوامعی که زندگی اقتصادی مردم مبتنی بر دامداری است اهمیت نقش زن در تولید دامی یکی از عوامل مهم پدیده چندزنی بوده است. مثلاً در میان عشایر که دامداری اساس تولید بوده، چند زنی رواج زیادی داشته است، این امر با دامداری بویژه با تعداد دام ارتباط مستقیم دارد. زیرا زنان در اقتصاد دامی سهم مهمی دارند، تقسیم کار و اینکه هر زنی تنها میتواند تعداد معدودی گوسفند را بدوشد ایجاب میکند که تعداد زنان خانواده زیاد شود و چون مرد قدرت اقتصادی را در دست دارد نیروی کار هم گران است بهترین راه استفاده از نیروی زن ازدواج بوده است.^۷

همچنین در منطقه قوچان که اقتصاد حاکم بر حیات روستائی دامداری است بعلت نیاز

به نیروی کار، چندزنی رواج داشته بوده زیرا زن در تولید سهم قابل ملاحظه‌ای دارد و از آنجائی که کار کردن زن بصورت کارگر در خانه‌های دیگران معمول نیست، ساده‌ترین وسیله رفع این مسئله برای مرد تعدد زوجات بوده است. زیرا مرد با ازدواج مجدد علاوه برداشتن زن تازه که معمولاً جوانتر بود کارگر تازه‌ای هم در اختیار می‌گرفت.

در «سهل‌آباد»^۸ دهکده‌ای از قوچان تصور کلی از امر ازدواج خربرداری زن بوده است، در واقع زن مانند کالا با پول مبادله میشد و این پول همان باشلق (شیربها) بود که مرد در قبال ازدواج به پدر زن می‌پرداخت. اگر کسی میخواست از مردی که در جریان همسریابی قرار داشت. پرسشی در این زمینه بکند سؤال خود را با کلماتی از قبیل زن خربدی؟ چقدر خربدی؟ ادا میکرد. در میان کردهای قوچان که منشأ ایلی دارند کسی میتواند ازدواج کند که قادر به پرداخت باشلق باشد. در واقع پرداخت باشلق یا شیربها به پدر زن بخاطر آنست که وی با شوهر دادن دخترش یکی از افراد فعال خانواده خود را از دست میدهد، در حالیکه خانواده‌ای که زن میگیرد يك نفر به نیروی کارش اضافه میشود. ازدواج بر اساس مبادله که در پاره‌ای از مناطق عشایری متداول است بخاطر اهمیت کار زن در تولید میباشد. در پاره‌ای جوامع زنان بیوه بعلت تجربیاتی که در طول زندگی زناشویی کسب کرده‌اند بیش از دختران ارزش دارند.

«تا این اواخر زنان بیوه در ترکمن صحرا پرارزش بودند و بهتر میتوانند شوهر انتخاب نمایند و حتی به زنانی که سومین بار شوهر میکردند مهریه بیشتری تعلق می‌گرفت، ممکن است این امر به رواج صنایع دستی در این جامعه مربوط باشد که زنان سهم مهمی در آن دارند و مهارت در رنگرزی لازمه اشتغال در صنایع بافندگی است و زن پس از انجام کارهای طاقت‌فرسا در چندسال آنرا بدست می‌آورد.»^۷

مطالعات نشان میدهد که چندزنی با تنوع فعالیت‌های اقتصادی خانواده چون دامداری، زراعت، باغداری و صنایع دستی ارتباط داشت.

بهنگام تحقیق در روستاهای بجنورد ضمن مصاحبه با خانواده‌ها یکی از سران خانواده روستائی این منطقه که تعداد ۴ زن داشت در پاسخ علل تعدد زوجات چنین اظهار داشت: درآمد من از محل فعالیت در رشته‌های زراعت، باغداری و دامداری حاصل میشود و باید در هر کدام از این رشته‌ها يك نفر سرپرستی امور را بعهده بگیرد و این شخص اگر غیر از زن من باشد آن علاقمندی و دلسوزی لازم را ندارد. از این جهت سه نفر از زنان من هر کدام سرپرستی یکی از رشته‌های زراعت، باغداری و دامداری را بعهده دارند و يك نفر هم به امور خانه می‌پردازد.^۹

بنابراین می‌بینیم که تراکم زیاد کار و تنوع فعالیتهای اقتصادی علاوه بر اینکه امکان داشتن زن تازه‌ای را پیش‌میاورد، الزام داشتن زنان متعدد را بمنظور تأمین نیروی کار مورد نیاز خانواده ضروری مینماید. بهمین جهت چند زنی در میان خانواده‌هایی که سران آن فعالیتهای متنوعی داشته‌اند بیشتر متداول بوده است.

سنگینی کار زن درپاره‌ای موارد بحدی زیاد بود که او را که مسلماً از داشتن «هوو» بیزار است وادار میکرد که زن جدید شوهرش را بپذیرد. البته داشتن «هوو» برای هیچ زنی خوشایند نیست ودر غالب موارد موجب بروز اختلافات و ناسازگاری در خانواده میگردد، لیکن وقتی زن از شدت کار خسته میشد، فشار زیاد کار مسائل احساسی او را تحت شعاع قرار میداد بطوریکه از شوهر میخواست که برای کمک او زن تازه‌ای بگیرد و در مواردی خود پیش‌قدم میشد و به‌خواستگاری میرفت و برای او زن میگرفت. در میان طوایف بختیاری معمولاً زن ارشد زن پست‌تری را که بتواند با او مدارا کند و مورد استفاده او باشد و خیلی خوشگل نباشد برای شوهرش انتخاب میکرد. در سالهای اخیر دگرگونی‌هایی در اوضاع جامعه روستائی ایران روی داده است. بر اثر ورود سپاهیان دانش، بهداشت و ترویج و گروه‌های دیگر شهری به‌روستا، گسترش شبکه راه‌های ارتباطی، رواج نسبی وسائل جمعی و بطورکلی برقراری ارتباط بین شهر و ده تغییراتی در ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی جامعه روستائی و عقاید، افکار خواستها و انتظارات مردم پدید آورده است. با اقدامات دولت در اجرای قانون حمایت خانواده و شروط بودن ازدواج دوم برای مرد و نیز بر اثر لطمه خوردن به‌حیات دامداری در پاره‌ای از مناطق چندزنی تا حد زیادی محدود شده است.

بعلاوه درپاره‌ای از امور تولیدی، ماشین جایگزین انسان گردیده و یا بصورت نیروی کمکی تسهیلاتی در عملیات تولیدی بوجود آورده است. در مجموع کار زنان تا حدودی آسان‌تر و کمتر شده است. با وجود این درآندسته از روستاها که بعلت کوهستانی بودن و دشواری راه و عوامل دیگر هنوز ماشین وارد نشده است و یا در مناطقی که بعلت طبیعت کار کشاورزی (مانند نشاگری در زراعت برنج) ماشین نتوانسته است جای انسان را بگیرد، زنان در امور تولیدی خانواده سهم قابل ملاحظه‌ای بعهد دارند.

رو بهمرفته کارهای تولیدی زنان را میتوان به دو گونه: کارهای دائمی و فصلی تقسیم کرد، هر زن فعال روزانه حدود ۶ تا ۳ ساعت از وقت خود را صرف نگاهداری و پرورش دام و طیور مانند: دوشیدن شیرواره‌ها، تغذیه دام و طیور، تمیز کردن آغل و تهیه فرآورده‌های دامی مینماید و گاه در این امور از مردان خود کمک میگیرد.

فعالیت در زمینه صنایع دستی مانند: ریسندگی و بافتن قالی، قالیچه، گلیم، جاجیم پلاس، جوال، خورجین، طناب، کیسه حمام، موج (رختخواب پیچ‌های پشمی) جوراب،

کلاه‌پشمی، پارچه کرباسی، شمد، ملافه، چادر، کارهای گلدوزی و خیاطی و امور مشابه دیگر غالباً برعهده زنان است. باوجود این در برخی خانواده‌ها زن و مرد درباره‌ی از صنایع دستی بویژه قالی‌بافی مشترکاً کار میکنند. هر زن فعال روزانه ۳ تا ۵ ساعت و گاه تا ۸ ساعت از وقت خود را در امور مربوط به صنایع دستی صرف میکنند. این فعالیت‌ها از جهت اینکه ممکن است بطور متناوب در تمام ایام سال صورت گیرد، جزء کارهای دائمی زن روستائی بشمار میرود.

کارهای مربوط به زراعت و باغداری مانند: وجین، تنک کردن، نشاگری، چینیدن محصول و سردرختی‌ها بسته‌بندی محصول و امور مشابه دیگر از جهت اینکه در مدت محدود و زمان معینی از سال انجام میگردد از جمله کارهای فصلی زنان روستائی میباشد. هرزن فعال سالانه از ۲۰ روز تا ۲ ماه و روزانه از ۴ تا ۸ ساعت در امور زراعی به‌شوهر خود کمک میکند. درباره‌ی از خانواده‌ها زنان ضمن انجام فعالیت‌های تولیدی خانواده حدود یک تا ۲ ماه از سال را در مزارع خانواده‌های دیگر و حتی در روستاهای مجاور با دریافت دستمزد به کارهای تولیدی (مانند وجین و چیندن پنبه و چغندر و...) اشتغال می‌ورزند و غالباً دستمزدهای دریافتی خود را در اختیار رئیس خانواده (پدر یا شوهر) میگذارند. بعضی از زنان روستائی در امور اقتصادی مشاور مردان خود میباشند و حتی گاه در اداره و رهبری کار مشارکت دارند و سرپرستی بخشی از عملیات اقتصادی خانواده را به‌عهده میگیرند.

منابع و مآخذ:

- ۱- بررسی نتایج اصلاحات ارضی- بخش تحقیقات روستائی- مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی- سال ۱۳۴۸.
- ۲- بررسی اقتصادی- اجتماعی روستاهای ایلام- بخش تحقیقات روستائی مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران- سال ۱۳۴۴- ۲۷۰ صفحه.
- ۳- بررسی اقتصادی اجتماعی روستاهای نمونه مناطق سبزوار، نیشابور، بیرجند، قوچان، گناباد، بجنورد، کاشمر، تربت‌جام و شرکت‌سهامی زراعی سمسکنده (ساری) بخش تحقیقات روستائی- مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- ۴- طاهباز- سیروس منوگرافی یوش- مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی سال ۱۳۴۲.
- ۵- نیک‌خلق، علی‌اکبر- «حسن‌لنگی»، دهکده از بندر عباس بخش تحقیقات روستائی مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران ۱۳۴۶.
- ۶- نیک‌خلق، علی‌اکبر- «شرکت سهامی زراعی سمسکنده (ساری)»- بخش تحقیقات روستائی مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران سال ۱۳۵۰- ۲۷۲ صفحه.
- ۷- خسروی، خسرو- جامعه‌شناسی روستای ایران- دانشکده علوم اجتماعی و تعاون- سال ۱۳۵۱.
- ۸- نیک‌خلق، علی‌اکبر. منوگرافی «سهل‌آباد» دهکده‌ای از قوچان- بخش تحقیقات روستائی مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی سال ۱۳۵۱.
- ۹- بررسی اقتصادی- اجتماعی روستاهای منطقه بجنورد، بخش تحقیقات روستائی مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی- دانشگاه تهران- سال ۱۳۴۷.